

فلق پرستو
(مجموعه شعر)

د امد رحمتی



۱۳۹۶

سرشناسه	:	رحمتی اراکی، حامد، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	:	فلق پرستو: (مجموعه شعر) / حامد رحمتی.
مشخصات نشر	:	اراک: نگار کمال، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۳۳۸ ص.
شابک	:	978-600-97289-2-3
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	:	۸۳۷ ف ۸ ح / ۸۳۴۵ ۱۳۹۶ PIR
رده بندی یوبی	:	۸۱ / ۶۲ ف ۸
شماره کتابستایی ملی	:	۴۹۳۷۳۲۸



فلق پرستو
(مجموعه شعر)

حامد رحمتی

پیراستار: مرتضی توانا

مترجم: احمد جلد فرشد خالقی

صفحه آرایی: احمد علیپور

ناشر: نگار کمال

شمارگان: ۳۰۰

چاپ خانه: کتیبه ارت

نوبت چاپ: اول، پاییز ۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۸۹-۲-۳

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

negarekamal@chmail.ir
www.negarekamal.rozblog.com

مقدمه:

پنج اصل استقلال، آزادی، امنیت، صلح و عدالت، در خرد و کلان از زیرسازهای فراه هستند. داوری برای برقراری مساوات و برابری در همه امور مدنی، طبیعی و دینی، موجودات با رعایت کردن حد وسط در امور خود و دیگران به لحاظ علنی و در بر ادب و احترام با آشکار کردن حق و حقیقت تعریفی برای عدالت، مبارزه با تبعیض از هر نوع و جنس رفع آن، نوعی برقراری عدالت است.

آن چه جوامع را تهدید می کنند، فقط جاهل نیست، حرص و ترس در کنار مورد اول، مثلث شر را پدید می آورد.

"پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت." بهر حقیقت ادامه آفرینش را چون در تضاد با نظام احسن عرفا و دیگران است، تحسین یافته ان کرده است و حافظ پیر را به گونه ای در مراحل بالای طریقت در فنای فی الله به رسم بر می گیرد. مباحثه و تحلیل روش عرفا و صوفیان است. چگونه باید به اهل این راه و روش و طی طریق درست را آموخت؟ جای شگفتی و تأسف است که در دوره حافظ پیشروترین قشر جامعه مذهبی و دینی که عرفا هستند، نیاز به راهنما دارند. زهاد و عابدین با زندگی اجتماعی و تغییرات فرهنگی و سیاسی اقتصادی همواره مشکل داشته اند و در تفسیر مسائل درمانده شده اند. ارائه تفسیر نوین از دین برای حفظ کیان دین بر عهده عرفا بوده است. حافظ در دوره ای که این اقشار دارای نفوذ و قدرت زیادند، به دور از خرافه و تعصب به انتقاد از عرفا، زاهدان و صوفیان

می پردازد. حافظ با زبان کنایه و طنز عرفا را که رسالتشان درک و تفسیر حقیقت است. به واقعیت گرایی دعوت می کند و با علم به این که ستون اعتقادی عرفا نظام احسن است، با این غزل عرفا را به بخشش و بزرگواری و تواضع و اعتدال دعوت می کند؛ زیرا قدرت و مقبولیت در جامعه کبر و غرور را برای این گروه به ارمغان آورده است. حافظ در منظری بالاتر از آشیان عارف و عابد و زاهد و صوفی قلم را به پرواز در می آورد همان حافظی

که قائل به سر و مراد و هر چه رنگ تعلق دارد، نیست. تخطئه مورد نظر بوده است و راهی به این وسیع ندارد که می گویند ما فکر می کردیم، خطا بر قلم صنع و آفرینش صورت پذیرفته ویرما با راهنمایی، ما را از خطا می کند بیرون آورد. شرحی دیگر این که - باید به بهترین وجه جهان را آفریده و از این نظر خطایی بر این کار نرفته است و هم راستا با نظام حسن عرفاست؛ اما کلمه آفرین (زنده باد) تمسخری است که برای پیر به کار رفته است زیرا این کلمه در ادبیات کوچه به خراب کار و کسی که اشتباه می کند، گفته می شود. حافظ در طنز تلخ خود پیر را که اساس تفکر و اندیشه مذهبی و عرفانی را بر مغالطه بنا کرده است، به تمسخر می گیرد؛ زیرا اینان در سادگی و یا خواب افیونی غم و اصرار دارند. جهان و آفرینش و خلقت به بهترین وجه ممکن صورت پذیرفته و کامل و تکمیل است و پایان پذیرفته و بیش از آن چه ما می گوئیم، به وجود نخواهد آمد. چاره‌ای از تغییر نگردند و بر جایگاه خود بمانند.

در این راستا: ۱- قوانین روش تحقیق و تغییر جهان و بهتر شدن زندگی انسان را باید پذیرفت؛ ۲- حافظ با بحث جبر و اختیار خود را درگیر نمی کند و با گفته تا بوده، چنین بوده به مبارزه می پردازد. نه تنها تکمیل تحول و ادامه آفرینش را مخالف ذات اقدس الهی نمی داند؛ بلکه به این که همراه آفرینش و تکامل و تغییر ادامه دارد. این مورد را هم اکنون هم بسیاری نمی پذیرند؛ لذا پیر خطا و اصل ماجرا را کتمان می کند. حافظ مخالف ایستایی و جبر است اگر بپذیرد در آفرینش کم و

کاستی وجود ندارد، به جبری بودن گرفتار می شود و این تلقی زیربنای مشکلات جوامع خواهد شد. حافظ از این شبهه بزرگی که اساس عرفان را نقد پذیر می سازد، انتقاد می کند و با لحاظ بی غرض بودن و پاک بودن دل پیر به چنین اشتباهی می خندد، بعضی از عرفا مانند مستبدین پیرو برهان نظم اند و در کنار نظام احسن ارائه داده شده به عنوان یک نگرش با هرگونه تغییر و تحول و تکامل و اختیار در اقبال جناب هستی مخالفند. گفتنی است صوفی در این دوره به ریا و انواع مفاسد مدعی شده بوده است. مختصر این که عرفا گوی سبقت را از زهاد ربوند و دچار کبر و پرورش شدند و با قدرتی که بین مردم و حاکمان و حکومت به دست آوردند و با پررنگ شدن جبر و نظام احسن، بحث عدالت خداوند را آن گونه که می خواستند، مطرح کردند تا عدالت اجتماعی به سود حاکمان باشد؛ حاکمانی که مظهر دین و پادشاه بودند. فساد در این دوره حتی از اصول خود عدول کردند و حکومتی شدند.

با احترام

حامد رحمتی